

استخراج اصول حاکم بر ایده عدالت در آراء امام خمینی

حسن سبحانی *

سید محمد رضوی **

چکیده

عدالت از مسائلی است که به جهت عمق مفهومی آن نمی‌توان آن را تنها در چارچوب حوزه‌ای خاص از علوم انسانی محدود کرده و بر آن اساس معنا و تبیین نمود. اما شاید ملموس‌ترین مصداق وجود یا عدم وجود عدالت را بتوان در حوزه اقتصاد و معیشت جامعه مشاهده کرد. این مفهوم به صورت مستقیم و غیرمستقیم در قالب مباحثی چون برابری توزیع، عدالت اقتصادی، توسعه، رشد و ... در ادبیات اقتصادی بسیار مطرح شده است. از طرفی در دیدگاه اسلامی موضوع عدالت به جهت اهمیت آن در تعالیم دینی، بسیار مورد توجه متفکران اسلامی قرار گرفته و از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی واقع شده است و بُعد اجتماعی عدالت در قالب مفهوم «عدالت اجتماعی» بیان شده است. در میان اندیشمندان اسلامی، امام خمینی به دلیل نگرشهای اجتماعی‌شان و همچنین در مقام بنیانگذار و رهبر یک نظام سیاسی-اجتماعی طبیعتاً توجه عمیق‌تری به موضوع عدالت داشته‌اند.

این مطالعه درصدد آن است که با بررسی نظرات و آراء امام خمینی، ایده عدالت را در تفکراتشان مورد بررسی قرار داده و اصول حاکم بر دیدگاه ایشان را پیرامون این مفهوم کشف و استخراج نماید.

* - استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

** - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

بر پایه این تحقیق، بیشترین توجه و رویکرد امام خمینی به موضوع عدالت، به کارکردهای اقتصادی این مفهوم که در ارتباط مستقیم با نحوه زندگی عموم مردم قرار دارد بازمی‌گردد. لذا اساساً این مطالعه می‌تواند ذیل مباحث اقتصادی طرح و درچارچوب قواعد اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. این مطالعه به شیوه تحلیل محتوا صورت گرفته و نشان می‌دهد که هسته محوری اندیشه امام خمینی پیرامون عدالت را دو مفهوم برابری و تأمین نیازهای اساسی عموم مردم تشکیل می‌دهد.

بنابراین می‌توان عدالت را در اندیشه امام خمینی، به معنای «برابری افراد جامعه در تأمین نیازهای اساسی آنان» معرفی نمود. نکته قابل توجه در این زمینه هماهنگی و مطابقت نسبی این نوع نگرش به ایده عدالت، با دیدگاهی است که در اقتصاد توسعه تحت عنوان «ایده نیازهای اساسی» مطرح شده است. این نکته به نحوی نشان می‌دهد که نگرش امام خمینی به مفهوم عدالت از پشتوانه علمی نسبتاً محکمی برخوردار است.

از طرف دیگر با استخراج چهارده اصلی که در این تحقیق به عنوان اصول کلی حاکم بر دیدگاه امام خمینی پیرامون عدالت استنباط شده است، می‌توان چارچوب کلی الگوی اجرایی عدالت را در آراء ایشان مشخص نمود. این اصول در قالب یک سیستم و مجموعه نظام‌مند، تقسیم‌بندی شده و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه

عدالت، نیازهای اساسی، فقر، برابری فرصتها

۱- مقدمه

برخی بر این عقیده‌اند که طرح مسأله عدالت، نه تنها در حیطه دانش اقتصاد، بلکه در حوزه علم، مبنای صحیحی ندارد. چرا که مشخصه بارز علم، نقدپذیری و قابلیت اثبات و رد آن براساس «هست‌ها» (شواهد) می‌باشد؛ درحالی‌که مباحث ارزشی و ذهنی و نیز مباحث مربوط به «بایدها» به اعتبار تجربه‌ناپذیری، قابل اثبات یا رد نبوده و مرتبط به عقیده شخصی افراد است. بر این اساس مرسوم بوده است که میان اقتصاد علمی یا اثباتی و لااقل برخی از توصیه‌های علمی در مورد سیاست‌گذاری اقتصاد یا اقتصاد هنجاری تمایزی قائل شده و این تمایز میان اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری را معادل تمایز میان واقعیت‌های غیرقابل مناقشه از یک‌سو و ارزشهای مورد مجادله و بحث‌انگیز از سوی دیگر عنوان نمایند.^۱

در سالهای اخیر درباره اینگونه تقسیم‌بندیها تردیدهای دامنه‌داری در بین اقتصاددانان آغاز شده است و حتی برخی بیان نموده‌اند که نه تنها در «هیچ علمی نظریه یا مشاهده‌ای عاری از ارزش‌گذاری ممکن نیست»^۲، بلکه «می‌توان گفت اقتصاد مشخصاً نه علمی اثباتی یعنی توصیفی، که علمی است هنجاری یعنی تجویزی»^۳. بنابراین دیدگاههایی که طرح مباحث ارزشی و هنجاری نظیر عدالت و برابری را در قلمرو دانش اقتصاد صحیح نمی‌دانند مورد چالش شدیدی قرار گرفته‌اند.

بدون شک جدای از آنکه آیا مسأله عدالت و برابری در مباحث اقتصاد قابل طرح دانسته شود یا نشود، نمی‌توان از تأثیرپذیری مستقیم شاخصهای اقتصادی از چگونگی طرح مسأله عدالت و برابری چشم‌پوشی کرد. پیرامون عدالت و ارائه الگوهای عملی و شاخصهای اصلی آن، در ادبیات اقتصادی مباحث گوناگونی مطرح شده است که از آن

۱- بلاک، مارک؛ روش‌شناسی علم اقتصاد؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ چاپ اول، تهران: نشر نی، صفحه ۱۷۰، ۱۳۸۰.

۲- همایون (کاتوزیان)، محمدعلی؛ ایدئولوژی و روش در اقتصاد؛ چاپ اول، تهران: نشر مرکز، صفحه ۱۴۲، ۱۳۷۴.

۳- همایون (کاتوزیان)، محمدعلی؛ همان؛ ص ۱۴۸.

جمله می‌توان به نظریه برابری مطلوبیتهای نهایی، نظریه ایجاد فرصتهای یکسان، نظریه حداکثرسازی مطلوبیت جامعه و نظریه توجه به افشار پایین درآمدی و افکار دانشمندانی همچون آمار تیاسن، آبالرنر، جان راولز، اتکینن و... در این ارتباط اشاره نمود.

۲- مروری بر ایده نیازهای اساسی در اقتصاد توسعه

از جمله دیدگاههای ضد فقر که در اقتصاد توسعه مطرح شده است، دیدگاه «ایده نیازهای اساسی»^۱ می‌باشد. در دهه ۱۹۶۰ نگرانی‌هایی پیرامون عدم کارکرد علنی اثر رخنه به پایین رشد اقتصادی، ظهور کرد. این نگرانی‌ها که از سوی متفکران توسعه اقتصادی نظیر «دادلی سیزر»^۲، «پل استریتن»^۳، «مک نامارا»^۴ و دیگر اندیشمندان مطرح شد، به تلاش بیشتر جهت یافتن استراتژی‌های جدید توسعه منجر شد. ضمن آنکه در این زمان آمارهای تکان‌دهنده‌ای از وضعیت نابرابری و فقر به خصوص در کشورهای جهان سوم ارائه می‌شد. در چنین فضایی بود که خواست تأمین نیازهای اساسی و در نتیجه از میان برداشتن فقر مطلق به عنوان اولویت اول در برنامه‌ها و سیاستهای توسعه مطرح شد. این پیشنهادها مورد بررسی قرار گرفت و پس از بحثهای بسیار در مورد پیامدهای آن در امر سیاستگذاری که در گزارش سازمان بین‌المللی کار^۵ به کنفرانس جهانی اشتغال در سال ۱۹۷۶ صورت گرفت، مفهوم نیازهای اساسی در بحثهای توسعه از اولویت برخوردار شد. در این گزارش نیازهای اساسی به چهار دسته عمده تقسیم شد^۶؛ این نیازها عبارت بودند از:

- ۱- تأمین حداقل نیازهای مصرفی خانواده یعنی غذا، مسکن، پوشاک؛
- ۲- برخورداری از خدمات اساسی مثل آب آشامیدنی سالم، بهداشت، حمل و نقل و آموزش و پرورش؛
- ۳- دسترسی به شغل با مزایای مکفی برای هر فردی که توانایی و تمایل به کار کردن دارد؛

1- Basic Needs.

2- Dudley Seers.

3 - Paul Streeten.

4 - MC.Namara.

5- ILO.

۶ - هانت، دایانا؛ نظریه‌های اقتصادی توسعه؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ چاپ اول، تهران: نشر نی، ص ۲۷۷،

۴- تأمین نیازهایی که بیشتر ماهیتی کیفی دارند؛ مثل برقراری محیطی سالم، انسانی و دلپذیر و مشارکت عموم مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی و آزادیهای فردی آنان اثر می‌گذارد.

اگرچه بحث تأمین نیازهای اساسی، در آغاز جنبه اخلاقی و ایدئولوژیک داشت؛ اما انتقادهای اولیه وارد بر پیشنهادات، طرفداران چنین نگرشی را ملزم کرد که دلایل خود را در این زمینه ارائه و وسایل نیل به اهداف را مشخص کنند. مهمترین این انتقادات عبارت بود^۱ از:

۱- مفهوم نیازهای اساسی فاقد دقت عملیاتی لازم در برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف است.

۲- دنبال کردن استراتژی توسعه برپایه نیازهای اساسی، با هدف حداکثرسازی رشد، تعارض دارد.

۳- کشورهای در حال توسعه، به‌منظور ایجاد اشتغال کوتاه‌مدت برای فقیران، به ناچار همیشه بر تولید کالاهای اولیه با استفاده از تکنولوژی کاربر متکی خواهند بود.

۴- هزینه منابع بخش عمومی به‌صورت عامل بازدارنده عمل می‌کند.

در متون مربوط به ایده نیازهای اساسی و اساساً در دفاع از این ایده، دو رویکرد مختلف را می‌توان مشاهده نمود. استدلال‌های رویکرد اول که تحت عنوان «رویکرد بهبود خدمات عمومی» نامیده می‌شود، بیشتر کارآیی را مدنظر قرار داده است. هواداران چنین نگرشی خواهان اثبات این نکته هستند که می‌توان با توسل به اقدام‌هایی، هزینه‌های بخش عمومی را که صرف تحقق اهداف ارائه خدمات عمومی می‌شود، کاهش داد. «مین هاس»^۲ در این زمینه می‌گوید: «مشکل اصلی، تشدید تلاش برای افزایش بهره‌وری فقیرترین افراد و در نتیجه سطوح زندگی آنان است».^۳

۱ - هانت، دایانا؛ نظریه‌های اقتصادی توسعه؛ ترجمه غلامرضا آزاد، چاپ اول، تهران: نشر نی، ص ۲۷۷، ۱۳۷۶.

2- Min Haus.

۳ - دایانا هانت؛ همان؛ ص ۲۸۱.

در رویکرد بدیل و رادیکالی که در اواخر دهه ۱۹۷۰ درباره تأمین نیازهای اساسی در متون توسعه شکل گرفت، بر پیامد مثبت تأمین دسته سوم از نیازهای اساسی در تأمین رشد پایدار، ایجاد تحولات ساختاری و کاهش وابستگی بین‌المللی تأکید بیشتری می‌شود. طرفداران ایده نیازهای اساسی، چنین مطرح می‌کنند که اجرای موفقیت‌آمیز مجموعه‌ای از سیاستهای اقتصادی که امکان تأمین نیازهای مصرفی اساسی فقیران را از طریق افزایش درآمد و بهره‌وری نیروی کار آنان فراهم آورد، ساختار تقاضا را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد که موجب افزایش سرمایه‌گذاری کل می‌شود. توزیع عادلانه‌تر درآمد در کشورهای در حال توسعه، الگوی تقاضای همگن‌تری را به وجود می‌آورد که به افزایش تقاضا برای یک رشته محصولات تولیدی منجر می‌شود. محصولاتی که بسیاری از آنان در کارخانه‌های کوچک و متوسط تولید می‌شوند، در عین حال تأمین نیازهای اساسی از طریق افزایش تقاضای کل برای محصولاتی که تقاضای انبوه دارند، موجب استفاده از ظرفیت بلااستفاده کارخانه‌ها و نیز کاهش هزینه هر واحد تولید می‌شود. این تغییرات در ساختار تقاضا از میزان تنگناهای تولیدی موجود می‌کاهد؛ زیرا میزان ارزشبری و سرمایه‌بری خدمات و کالاهایی را که در بازار داخلی دارای تقاضای زیاد هستند، کاهش می‌دهد. تقاضا نه برای کالاهای مصرفی، بلکه برای کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که برای تولید انبوه کالاهای مصرفی ضروری‌اند، بیشتر افزایش پیدا می‌کند. استدلال‌های دیگری که طرفداران ایده تأمین نیازهای اساسی در مورد استراتژی توسعه مبتنی بر نیازهای اساسی مطرح کرده‌اند، بر این نکته تأکید می‌نمود که رکود اقتصادی کشورهای پیشرفته صنعتی، فرصتهای رشد مبتنی بر صادرات را برای کشورهای در حال توسعه به شدت کاهش داده است. در نتیجه این کشورها باید بیشتر در جستجوی گسترش بازارهای داخلی خود برای افزایش رشد و تغییرات ساختاری باشند^۱.

در خصوص ارزیابی چگونگی تأمین نیازهای اساسی؛ نظیر تغذیه کافی، مسکن، بهداشت، آموزش، اشتغال، سوخت، آب آشامیدنی و... نیز دو دیدگاه متفاوت مطرح شده

است. عده‌ای برخی متغیرها را به‌عنوان نتایج نهایی یا ستاده روند توسعه تلقی نموده و شاخص‌های دیگر توسعه را در حکم نهاده‌هایی برای تأمین اهداف نهایی مذکور بیان نموده‌اند. در مقابل، برخی از اقتصاددانان نیز با این بیان که توسعه روند پیچیده‌ای است به تأثیر متغیرهای گوناگون بر یکدیگر اشاره کرده‌اند و متغیرهایی؛ نظیر باسوادی و سلامت کامل را که عده‌ای آن‌را به‌عنوان هدف توسعه ذکر می‌کردند، در عمل به‌صورت داده‌هایی برای توسعه بیشتر قلمداد نموده‌اند.

در هر حال برخی اقتصاددانان با قبول تمایز میان نهاده‌ها و ستاده‌ها، تلاش کردند تا از عملکرد نیازهای اساسی، یک شاخص واحد ارائه کنند. «هیکس»^۱ و «استرین»^۲ مجموعه‌ای محدود اما ترکیبی از شاخص‌ها را معرفی نمودند و این دو، شش نیاز اساسی را نام برده، شاخص بهینه هر یک و نتایج ستاده ممکن را مشخص نمودند.^۳

فهرست استرین و هیکس از شاخص‌های پیشنهادی نیازهای اساسی

نیاز	شاخص‌های عملکرد
سلامتی	امید به زندگی در اوان تولد.
آموزش	باسوادی، ثبت نام در مدارس ابتدایی (درصد در جمعیت سنین ۵-۱۴).
تغذیه	میزان کالری سرانه یا عرضه کالری به‌صورت درصدی از احتیاجات.
عرضه آب	مرگ و میر کودکان (از هر هزار تولد): درصد افرادی که دسترسی به آب آشامیدنی دارند.
بهداشت	مرگ و میر کودکان (از هر هزار تولد): درصد افرادی که امکان استفاده از تسهیلات بهداشتی را دارند.
مسکن	...

البته بسیاری بر این عقیده‌اند که چنین معیارهایی می‌توانند مبنای مناسبی برای ارزیابی عملکرد هر کشور در تأمین نیازهای اساسی در طی زمان و نیز مقایسه میان کشورها باشند، اما باید همانند تولید ناخالص داخلی، دقت برآورد شاخص‌ها را بهبود بخشید.

1- Hicks.
2- Streeten.

۳ - دایانا هانت؛ همان؛ ص ۲۸۰.

۳- بررسی ایده عدالت در اندیشه امام خمینی

امام خمینی به عنوان اسلام شناسی جامع و پایه گذار یک نظام حکومتی براساس تعالیم دین اسلام، اشارات و تأکیدات فراوانی پیرامون مسأله عدالت اجتماعی در سخنرانی‌ها، پیامها و مکتوباتشان داشته‌اند.

هر چند ایشان در آثار و بیانات خود به بیان مفهوم دقیقی از عدالت از جنبه اجتماعی آن نپرداخته‌اند، ولی نگرش و توجهی که به مسأله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و قضایی آن داشته‌اند، بیانگر این امر است که ایشان معتقدند که عدل اسلامی می‌تواند به طور نسبی در جوامع تحقق یابد و انسانها می‌توانند براساس آن به سیاستگذاری، قانون گذاری و نهادسازی در حوزه‌های مختلف امور جامعه بپردازند.

«در اسلام، عمل به عدل مخصوص قوه قضاییه نیست؛ بلکه در سایر ارگانهای نظام جمهوری اسلامی ایران از مجلس و دولت و متعلقات آن و... و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است»^۱.

امام خمینی، برقراری عدالت اجتماعی را مقصد بزرگ اسلام معرفی نموده^۲ و اهداف نظام اقتصادی اسلام را در راستای تحقق اهداف مکتب اسلام عنوان می‌کنند^۳. لذا، در دیدگاه ایشان عدالت مسأله‌ای است که هیچیک از ملاحظات اقتصادی نمی‌تواند آن را تحت الشعاع قرار بدهد و باید در تمامی برنامه‌ریزی‌ها و حتی نهادسازی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد توجه قرار گیرد.

امام با اشاره به اینکه در اسلام، اقتصاد ارزشی ابزار گونه دارد^۴، توسعه معرفت الهی را به عنوان هدف نهایی از برقراری عدالت در جامعه معرفی می‌نمایند.

۱ - امام خمینی؛ صحیفه نور؛ ص ۱۴۰.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱، ص ۴۷.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۴، ص ۱۷۶.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۷، ص ۷۲.

«عمده نظر کتاب الهی و انبیاء عظام بر توسعه معرفت است. تمام کارهایی که آنها می‌کردند برای این که معرفت خدا را به معنای واقعی توسعه بدهند. جنگها برای این است، صلح‌ها برای این است و عدالت اجتماعی غایتش برای این است»^۱.

امام در بیانی دیگر هدف از تحقق عدالت اجتماعی را ساختن انسان و تهذیب او بیان می‌کند^۲. پرسش اساسی این است که چه رابطه‌ای می‌تواند بین توسعه معرفت الهی و یا تهذیب انسان (که اهدافی تربیتی و فرهنگی بوده) با برقراری عدالت اجتماعی که به‌عنوان رکن اساسی و اصل تغییر ناپذیر در نظام اقتصادی و اجتماعی مورد نظر اسلام مطرح است، وجود داشته باشد؟ دقت نظر در اندیشه‌های امام خمینی نشان می‌دهد که ایشان برقراری عدالت را سبب پیدایش یک محیط آرام و امن جهت بروز توانایی‌ها و استعدادهای درونی و فطری افراد، عنوان می‌نمایند.

این بیان امام خمینی توجه ایشان را به‌صورت غیرمستقیم به مفهوم امنیت اقتصادی به‌عنوان یک جنبه از مفهوم کلی امنیت، در چارچوب نظام اقتصادی (که تأمین‌کننده اهداف تربیتی و فرهنگی مکتب اسلام است) مشخص می‌کند.

بررسی دقیق اندیشه‌های امام خمینی در قالب سخنرانی‌ها، پیامها و مکتوبات ایشان که به‌نحوی به مسأله عدالت و مفهوم عدالت اجتماعی پرداخته‌اند، نشان می‌دهد که ایشان در موارد بسیاری مفهوم عدالت اجتماعی را همراه با مفاهیمی نظیر محرومیت، فقر اقشار مستمند و تعبیری این چنین بیان نموده‌اند و با الفاظ و واژه‌های مختلف به‌گونه‌ای به ارتباط میان مفهوم عدالت اجتماعی و رفع محرومیت، به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم اشاره داشته‌اند.

«خدا می‌خواهد عدالت در بین مردم اجرا بشود، خدا می‌خواهد که به حال این ضعفا و طبقه سوم یک فکری بشود»^۳

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹؛ ص ۸۴

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰؛ ص ۱۵۷

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۳؛ ص ۱۱۱

امام تخطی از سیاست حمایت از محرومان و عدم رفع محرومیت از آنان و کوتاهی در تأمین نیازهای اساسی آنها را عدول از اصل عدالت مورد نظر اسلام عنوان نموده و می‌فرماید: «آنچه که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومین و پابرنه‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند، از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است».^۱

همچنین امام خمینی درخواست اقشار مستمند و کم درآمد جهت توجه به نیازهای اساسی آنها را برخاسته از عدالت خواهی آنان قلمداد نموده بیان می‌کنند: «یک عده از گرسنگی ریختند اطراف تهران و نه آب دارند و نه برق دارند و نه نان دارند و نه چیزی دارند، می‌خواهند عدالت باشد».^۲

از طرف دیگر امام خمینی در موارد بسیاری به برابری همه افراد و اقشار مختلف جامعه در برابر احکام و مقررات اسلام اشاره داشته‌اند. «شما این را بدانید که اسلام برای یک قشر نیست... اسلام برای همه است. اسلام برای بشر است... در اسلام تبعیض نیست».^۳ با دقت در موارد فوق و نظایر آن، اینگونه استنباط می‌گردد که در اندیشه امام برقراری و تحقق عدالت از یک طرف و رفع محرومیت و تأمین نیازهای اساسی همه اقشار و افراد جامعه خصوصاً طبقات مستمند و کم درآمد از طرف دیگر، از یک قالب کلی و یک نگاه یکسان برخوردار می‌باشد. به عبارت دیگر هسته مرکزی تفکر امام خمینی پیرامون مسأله عدالت را دو مفهوم «برابری» و «تأمین نیازهای اساسی» تشکیل می‌دهد. ایشان براساس تفکرات اصیل اسلامی اولاً به برابری انسانها در قبال حق و تکلیفی که احکام مطرح می‌سازند، قائل بوده و ثانیاً تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات مختلف جامعه را جزء حقوق انسانی و لازمه رشد و تعالی معنوی و ضامن میسر شدن عمل به تکالیفشان قلمداد می‌نمایند.^۴ بنابراین می‌توان

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۲۴۴.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۳، ص ۱۱۲.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۶۹.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱، ص ۶۵.

بیان نمود که ایشان عدالت را به معنای «برابری فرصتها جهت تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات مختلف جامعه» مدنظر قرار داشته‌اند.

۴- استخراج اصول کلی حاکم بر دیدگاه امام خمینی درباره عدالت

جستجوی اصول کلی حاکم بر ایده عدالت از منظر امام و پایه‌ها، اصول و قواعدی که امام خمینی براساس آنها دیدگاه خویش را پیرامون عدالت بیان نموده‌اند، ما را قادر می‌کند که آنها را ذیل یک نظام و ساختار منطقی، هدف‌مند و گویا که دارای جامعیت نسبی قابل قبول در ارتباط با تبیین ایشان از عدالت نیز باشد، قرارداد و در قالب مدل زیر دسته‌بندی نماییم.

ابتدا این اصول به نظری و راهبردی تقسیم‌بندی شده‌اند. «اصول نظری» بیانگر قواعدی هستند که امام خمینی با اساس قرارداد آنها، دیدگاه خود را پیرامون عدالت تبیین نموده‌اند. «اصول راهبردی» نیز قواعدی هستند که ایشان بر پایه آنها الگوی عملی مورد نظر خویش را در مورد تحقق عدالت مشخص نموده‌اند. اصول راهبردی، خود به اصول زمینه‌ای، اصول سیاستی و اصول اجرایی تقسیم‌بندی می‌شوند. «اصول زمینه‌ای» بیانگر قواعدی هستند که امام خمینی حضور آنها را به‌عنوان زمینه‌های تحقق عدالت لازم شمرده‌اند. «اصول سیاستی» تأکیدات امام را در مورد بایدها و نبایدها در حوزه سیاستگذاری و وضع قوانین در ارتباط با مفهوم عدالت مشخص می‌نماید و «اصول اجرایی» نیز برخی روشها و مکانیزمهای عمومی و کلی مورد نظر امام خمینی را پیرامون دسترسی و تحقق عدالت عنوان می‌کند.

۴-۱- اصول نظری

این اصول که برگرفته از نوع نگرش امام خمینی به اسلام و احکام و مقررات آن هستند، اساساً به منزله فرضیهایی هستند که ایشان در طرح دیدگاه نظری خود در مورد مسأله عدالت مورد پذیرش و تأکید قرار داده‌اند.

اصل اول - لازمه رشد و تعالی معنوی انسانها، تأمین نیازهای اساسی و رفع محرومیت از آنها می‌باشد:

امام خمینی بررسی همه جانبه احکام اقتصادی اسلام را در ملاحظه کل احکام و قوانین اسلام، نشان‌دهنده توجه اسلام به رشد استعداد‌های انسانی و خلاقیت‌های فکری عنوان نموده و بر این اساس عدم تأمین نیازهای اساسی و حضور محرومیت را باعث ایجاد اختلال در زندگی طبیعی انسان بیان کرده و می‌فرماید: «انسان اگر معاشش فراهم نشود نمی‌تواند دین خود را حفظ کند»^۱. قابل توجه اینکه ایشان رفع فقر و محرومیت و تأمین نیازهای زندگی طبیعی انسانها را نه به‌عنوان هدف که زمینه رشد معنویات دانسته و بیان می‌کنند: «اگر مقصد این بود که زاغه‌نشینها از زاغه‌نشینی بیرون بیایند و یک سروسامانی پیدا کنند... این مقصد نیست... اسلام مقصدش بالاتر از اینهاست... مادیات را در پناه معنویات اسلام قبول دارد»^۲. بنابراین امام خمینی هدف نهایی تحقق عدالت را توسعه معرفت الهی به منزله شاخص تعالی و رشد واقعی انسان عنوان می‌نماید. در اندیشه امام، نظر اسلام به مسائل مادی، نگاهی ابزارگرایانه^۳ بوده و برنامه‌ها و سیاستها و هدف‌گذاری‌های مادی زمینه اعتلای معنوی است. ایشان می‌گویند: «اینک زمان آن است که فعالیت مادی، آمادگی برای اعتلای معنوی انسان تلقی شود... ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان هدف فعالیت‌های مادی گردد»^۴.

اصل دوم - جهت‌گیری اساسی سیاستها و برنامه‌ها در اقتصاد اسلامی رفع محرومیت از اقشار کم درآمد و مستمند است:

امام خمینی مکرراً سخن از رفع محرومیت و توجه به اقشار مستمند و کم درآمد و لزوم تلاش در جهت تأمین نیازهای فوری و اساسی آنها داشته‌اند. این تأکیدات صرفاً جنبه اخلاقی نداشته، بلکه ایشان حفظ منافع محرومان و برنامه‌ریزی جهت تأمین نیازهای اساسی آنها و رفع فقر و محرومیت را از ویژگیهای تبیین «جهت‌گیری اساسی اقتصاد اسلامی» عنوان کرده و می‌فرماید: «اصولاً تبیین جهت‌گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱، ص ۶۵.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۷، ص ۱۵.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۴، ص ۲۱۳.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۳، ص ۵۴.

محرومین... بزرگترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می‌رود^۱. امام خمینی سلامت نظام اقتصادی را در گرو رفع محرومیتها و تأمین نیازهای اساسی همه دانسته و ایجاد یک زندگی صحیح برای محرومین را به منزله تحقق عدالت مورد نظر قرارداد، حفظ منافع محرومین را در برطرف نمودن نیازهای اساسی آنان و بهبود وضعیت زندگی‌شان^۲ را ویژگی اصلی سیاستها و برنامه‌ریزی‌های مورد نظر سیستم اقتصادی اسلام می‌شمارد. «آنچه مورد نظر ماست یک نوسازی واقعی مبنی بر نیازهای اساسی اکثریت قاطع و فقیر مردم است»^۳.

براین اساس امام خمینی بر لزوم در نظر داشتن مصالح و منافع اقشار مستمند و محروم در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها اصرار داشته؛ به حدی که اسلام را حامی محرومین عنوان نموده و با عنایت به لزوم برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسانه در این زمینه می‌فرماید: «این به‌عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جایگزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرحها و برنامه‌های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پابرنه‌ها را ارائه دهند و جهان مستضعفین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند»^۴. بر پایه این اصل امام خمینی استراتژی‌ها و سیاستگذاری‌های اقتصادی‌ای را مورد تأیید اسلام و در چارچوب نظام اقتصادی اسلام معرفی می‌کنند که از جهت‌گیریهای اساسی آن، ملاحظه اقشار کم درآمد و فقیر و رفع محرومیت از آنان می‌باشد.

اصل سوم - اجرای احکام و مقررات اسلام پیرامون قواعد مالکیت منجر به تأمین نیازهای اساسی مردم و توازن ثروت در جامعه می‌شود:

قوانین و مقررات هر سیستم اقتصادی پیرامون موضوع مالکیت تاحدودی بیانگر نگرش آن سیستم اقتصادی به مباحثی نظیر برابری و توزیع، به‌عنوان مهمترین شاخص‌های متعارف عدالت می‌باشد. امام وضع احکام و مقررات اسلامی را براساس موازین عدالت و در جهت احقاق حقوق افراد عنوان نموده، معتقدند در صورت اجرای احکام و قوانین اسلام در

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۹.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲، ص ۱۲۸.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۴، ص ۷.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۹.

موضوع مالکیت، اصل عدالت تحقق می‌یابد. «اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف که اگر به حق به آن عمل شود، چرخهای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد»^۱.

همچنین علاوه بر تأمین نیازهای ضروری، توازن در سطح برخورداری اقشار و مناطق از امکانات زندگی و منابع جامعه، نتیجه دیگری است که امام خمینی اجرای احکام مالکیت و توزیع را زمینه‌ساز آن می‌داند. «اسلام در چیزهایی که حق مالکیت به آنها تعلق می‌گیرد و نیز در شیوه و شرایط پیدا شدن این حق دستوراتی داده است و اگر این حدود و شرایط مراعات شود، جامعه مشکلات و نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری امروز را پیدا نمی‌کند»^۲. امام خمینی ضمن تذکر این مطلب که سیاستگذاری و وضع قوانین و ارائه برنامه‌ها نباید برخلاف موازین و اصول شرعی صورت پذیرد، مالیاتهای مطرح شده در اقتصاد اسلامی را اولاً عادلانه^۳، ثانیاً به‌عنوان ابزارهای برقراری عدالت معرفی می‌نماید. «تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی (خمس) برای عمده حوائج مردم و انجام خدمات عمومی اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی قرار داده شده است»^۴.

به‌عبارت کلی امام خمینی رعایت قواعد و مقررات اسلام را به‌ویژه در زمینه موضوعاتی نظیر مالکیت در سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و انتخاب استراتژی‌های توسعه، عامل برقراری عدالت معرفی نموده و حتی تحقق عدالت را نتیجه ملاحظه این مقررات عنوان می‌کند.

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۱، ص ۲۰۰.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۴، ص ۲۱۳.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۷، ص ۱۷۲.

۴ - امام خمینی؛ ولایت فقیه؛ ...، ص ۳۵.

۲-۴- اصول راهبردی

این اصول چارچوب عملیاتی برقراری عدالت را در آراء امام خمینی معرفی می‌نماید؛ جهت بررسی دقیق‌تر، این اصول در سه مجموعه اصول زمینه‌ای، اصول سیاستی و اصول اجرایی دسته‌بندی شده است.

۲-۱-۴- اصول زمینه‌ای

امام خمینی استقلال اقتصادی و حضور کارگزاران عادل و تشکیل حکومت عادلانه در عرصه‌های سیاسی و اجرایی را از جمله زمینه‌های لازم جهت تحقق عدالت دانسته‌اند. اصل چهارم - تشکیل حکومت عادلانه به‌منزله قدرت سیاسی و ضمانت اجرایی، لازمه تحقق عدالت در جامعه است:

امام خمینی با بیان اینکه، «بدون حکومت اسلامی عدالت خواه رسیدن به عدالت محال است»^۱. اولین زمینه عمومی لازم برای تحقق همه جانبه عدالت را تشکیل نظام سیاسی براساس احکام و قوانین اسلام و با هدف برقراری عدالت، ذکر می‌نماید. ایشان با تأکید بر تأمین نیازهای زندگی افراد جامعه و رفع محرومیت‌ها، تحقق آنرا تنها با اکتفا به توصیه‌ها و پندهای اخلاقی قابل حصول ندانسته^۲ و اقدام پیامبر اسلام در تشکیل حکومت را نیز مقدمه برقراری عدالت ذکر می‌کنند. «رسول خدایی که سالهای طولانی در سلوک بوده است، وقتی که فرصت پیدا کرد یک حکومت سیاسی ایجاد کرد برای اینکه عدالت ایجاد بشود»^۳.

امام خمینی با بیان اینکه وظیفه حکومت در چارچوب نظام اسلامی، اجرای احکام اسلام و همچنین برقراری عدالت است، تأکید می‌نماید که این امر (عدالت اجتماعی) باید در جهت گیریها، سیاستگذاری‌ها، وضع قوانین و ارائه برنامه‌ها حتماً لحاظ شود. توجه و تأکید امام خمینی بر این اصل (تشکیل نظام سیاسی در چارچوب قوانین اسلامی) یکی از مهمترین

۱ - امام خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۲، ص ۱۷.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲، ص ۱۷۵.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۳۰.

وجوه تمایز نگرش ایشان به مسأله عدالت در مقایسه با متفکران و اندیشمندان اسلامی است.

اصل پنجم - سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان عادل و متخصص لازمه تحقق عدالت هستند: امام خمینی در کنار وجود یک نظام سیاسی عدالت طلب براساس احکام و مقررات اسلام، جهت برقراری عدالت، کارگزاران این نظام حکومتی را در قالب برنامه‌ریزان، قانونگذاران و مجریان امور، ملزم به داشتن ویژگی‌هایی می‌دانند. ایشان با اشاره به اینکه توزیع نابرابر قدرت می‌تواند منجر به توزیع نابرابر ثروت گردد^۱، یکی از مهمترین نمودهای اراده سیاسی و درعین حال از مؤثرترین ضمانتهای اجرایی برقراری عدالت را انتخاب کارگزاران نظام (خصوصاً در سطح سیاستگذاری) از طبقات و اقشار محروم عنوان نموده و علت آن را آشنا بودن آنها با مسائل و مشکلات طبقات مستمند و کم درآمد ذکر می‌نمایند^۲ و بدین لحاظ ایشان تأکیدات بسیاری پیرامون ساده‌زیستی مسئولین نظام سیاسی داشته‌اند^۳. قابل ذکر است که امام از نقش تخصص و کارشناسی نیز در زمینه برقراری عدالت غافل نبوده و از آن به‌عنوان یکی از مهمترین ویژگیهای کارگزاران عدالت‌خواه نام برده و آن را لازمه موفقیت در حصول به هدف عدالت و تأمین نیازهای اساسی و رفع محرومیت از محرومین بیان می‌کند. «البته شک نیست که عده‌ای از آقایان که شک در خدمتگزاری‌شان نسبت به اسلام عزیز و کشور نیست، در امور عظیم کشور و گرفتاریهای بسیار پیچیده وارد نبوده یا کمتر وارد باشند و خود نیز توجه دارند که در مسائل بسیار مشکل یک دولت که محتاج به کارشناسان متخصص در رشته‌های مختلف است نمی‌توان به‌طور سطحی نظر داد»^۴. از نظر امام کارگزاران نظام عدالت طلب باید از لحاظ اخلاقی و تربیتی به گونه‌ای

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۲۲۴.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۹۴.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۱۰.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۱۰۵.

باشند که منافع خود را بر مصالح عمومی ترجیح نداده و از هر عملی که نوعی خیانت و دست‌اندازی به اموال عمومی تلقی شود، به شدت بپرهیزند.^۱

اصل ششم - نظم و آرامش و امنیت اقتصادی، بسترهای لازم اجرای عدالت هستند:
امام خمینی به لزوم وجود آرامش و نظم جهت دستیابی به هدف تأمین نیازهای اساسی مردم و رفع محرومیت و برقراری عدالت اشاره داشته، احقاق حقوق افراد را در حضور عامل نظم و امنیت امکان‌پذیر می‌دانند.^۲

براین اساس ایشان یکی از وظایف نظام سیاسی را ایجاد نظم و آرامش و خصوصاً برقراری امنیت در عرصه‌های اقتصادی عنوان می‌کنند. «دولت اسلامی موظف است مردم را مطمئن نماید در همه چیز، در سرمایه‌هایشان، در کسب و کارشان».^۳ امام خمینی ایجاد عدالت و تأمین نیازهای اساسی مردم و رفع محرومیت را که می‌تواند در سایه رشد اقتصادی حاصل گردد، در شرایط عدم امنیت و آرامش قابل دسترسی نمی‌دانند. «اگر آرامش نباشد کشاورزی نخواهد بود؛ اگر آرامش نباشد صنعت نخواهد راه افتاد؛ اگر آرامش نباشد اصلاحاتی که باید بشود و برای مستضعفین عمل بشود نخواهد شد».^۴

اصل هفتم - استقلال و خودکفایی اقتصادی زمینه تأمین نیازهای اساسی مردم، اجرای عدالت و تثبیت آن را در جامعه فراهم می‌آورد:

در تفکر امام خمینی یکی از مهمترین دلایل فقر و محرومیت و عدم تأمین نیازهای اساسی افراد و اقشار جوامع، وجود روابط سلطه‌آمیز و ناعادلانه کشورهای قدرتمند و استعمارگر و تسلط آنان بر منابع و منافع کشورهای ضعیف است. «برادران و خواهران مسلمان من آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابرقدرتهای شرق و غرب می‌برند و ما را در فقر و... قرار داده‌اند».^۵ ایشان با اشاره به اینکه کشورهای سلطه‌گر قدرت

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲، ص ۱۳۰.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۱۹۰.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۷، ص ۱۱۸.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۴، ص ۱۸۲.

۵ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۹، ص ۲۲۴.

و قوت اقتصادی خود را در ضعف نظام اقتصادی کشورهای تحت سلطه در خصوص تولید کالاها و محصولات به‌ویژه تأمین کالاهای اساسی این کشورها جستجو می‌کنند، استقلال و خودکفایی اقتصادی به‌ویژه در کالاهای ضروری و مورد نیاز عموم افراد و اقشار جامعه را از زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت و تأمین نیازهای اساسی بیان می‌کنند.^۱

لازم به ذکر است که مفهوم خودکفایی در اندیشه امام «توانایی تهیه امکانات و وسایل مورد نیاز و ضروری اقشار جامعه بدون به‌مخاطره انداختن استقلال سیاسی و نیز تولید و رفع نیازهای اساسی و ضروری افراد جامعه در داخل کشور» می‌باشد. «ما اگر چنانچه از حیث کشاورزی خودکفا نشویم و دستمان پیش قدرتهای دیگر دراز شود و به‌عبارت دیگر گدایی کنیم از آنها یا فرض کنید که پول هم بدهیم به آنها، لکن وابسته‌ایم».^۲

او در طرح و تبیین این موضع به این نکته توجه داشته‌اند که فقدان استقلال و خودکفایی، باعث می‌شود که حتی عدالت ایجاد شده امری ناپایدار باشد.

۲-۲-۴- اصول سیاستی

امام خمینی جهت برقراری عدالت، بایدها و نبایدهایی را در حوزه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی مطرح نموده‌اند که در این قسمت با عنوان اصول سیاستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصل هشتم - الگویی از رشد و توسعه باید انتخاب شود که منجر به تأمین نیازهای اساسی همه افراد و اقشار کشور شود:

امام در مورد لزوم رشد اقتصادی و افزایش تولید محصولات در بخشهای مختلف اقتصاد اعم از کشاورزی، صنعتی بازرگانی و خدمات از ابعاد مختلف، بیانات بسیاری مطرح نموده‌اند. یکی از زوایایی که در اغلب بیانات ایشان درباره لزوم افزایش قدرت تولیدی کشور مطرح شده است، چگونگی این افزایش تولید و یا به‌عبارتی نوع «الگوی رشد اقتصادی» کشور است که امام به آن توجه خاص مبذول داشته‌اند. این زاویه از نگاه امام خمینی به مسأله رشد، با نحوه نگرش ایشان به مسأله عدالت ارتباط مستقیم دارد.

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۱۰۳.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۸، ص ۲۸۱.

امام خمینی با بذل توجه تمام به مفهوم عدالت، هدف افزایش تولید و رشد اقتصاد را در خدمت گسترش عدالت و رفع نابرابریها در تأمین نیازهای اساسی مردم عنوان نموده و بیان می‌کنند: «ایران امکانات و ظرفیتهای مختلف و فراوانی برای رشد اقتصادی دارد که اگر نفت هم نباشد، بتواند به رشد خود و از بین بردن فقر نائل شود»^۱.

امام افزایش تولیدات را در بخشهای مختلف خصوصاً کشاورزی در صورتی مطلوب می‌داند که به بهبود وضعیت زندگی کشاورزان و کارگران و دسترسی آنان به یک زندگی متوسط منجر شود^۲. ایشان ویژگی مشخص دوران سازندگی و رشد و شکوفایی اقتصادی را رفع محرومیتها و تأمین نیازهای اساسی افراد و اقشار مختلف عنوان نموده، بیان می‌دارند: «دوران سازندگی دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستمدیده ایران بهره‌مند شوند. دورانی که باید شکوه عدل اسلامی را لمس کنید و دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف و استثمار کنده شود»^۳.

امام با بیان اینکه جهت‌گیری اساسی اقتصاد اسلام حفظ منافع محرومین و سعی در خروج آنها از محرومیت و تأمین نیازهای اساسی‌شان می‌باشد؛ به این نکته اشاره می‌دارند که براینده سیاستهای اقتصادی کشور و از آن جمله سیاستهای رشد اقتصادی باید در جهت رفع محرومیتها و تأمین نیازهای اساسی همه افراد و اقشار جامعه و به عبارت صحیح‌تر در راستای عدالت باشد.

اصل نهم - در سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیها و وضع قوانین باید حق برابر همه افراد، اقشار و مناطق کشور در برخورداری از امکانات، منابع و ثروتهای کشور در تأمین نیازهای اساسی و دسترسی به یک زندگی متوسط لحاظ گردد:

امام خمینی بر پایه دیدگاه اسلامی خود بر این اعتقادند که هیچ فرد، گروه یا طبقه‌ای دارای برتری ذاتی نسبت به سایرین نبوده و حتی در اسلام تفاوتی میان مرد و زن در حقوق اجتماعی نظیر آموزش، شغل و مالکیت نیست^۴.

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۴، ص ۱۹۱.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲، ص ۴۴.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۸.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۴، ص ۳۴.

ایشان تمام افراد و طبقات جامعه را دارای حقوق اجتماعی برابر ذکر کرده^۱ و بر این اساس سیاستگذاران را موظف به رعایت و لحاظ این اصل در تخصیص منابع و ثروتهای جامعه می‌داند. «حق ندارد حاکم و ولی امر در وقت، یک ناحیه را بیشتر به آن توجه بکند تا ناحیه دیگر، حق ندارد یک طرف از کشور را زیادتر از طرف دیگر آباد کند».^۲

امام در بیانات متعدد به عدم رعایت این اصل در جهت‌گیریها و سیاستهای رژیم پهلوی اشاره نموده و آنرا از مهمترین مصادیق ظلمی که به اقشار و مناطق محروم روا داشته شده، ذکر نموده و عنوان کردند که این اصل اساسی که متضمن رفع نیازهای اساسی و رفع محرومیتها و احقاق حقوق افراد است، باید در حکومت عدل اسلامی لحاظ گردد.

نکته‌ای که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که در اندیشه امام مهمترین ملاکی که باعث ایجاد مزیت و امتیاز در بهره‌مندی از امکانات و تصدی مسئولیت‌ها می‌گردد، ملاکهای انسانی، نظیر تقوی و جهاد در راه خدا بوده و ایشان لحاظ هرگونه ملاک مادی، نظیر سرمایه، نژاد، طبقه و... را در بهره‌مندی از منابع و امکانات غیر صحیح می‌دانند. «به همه مسئولان کشورمان تذکر می‌دهم که در تقدم ملاکها هیچ ارزش و ملاکی مهمتر از تقوا و جهاد در راه خدا نیست و همین تقدم ارزشی و الهی باید معیار انتخاب و امتیاز دادن به افراد و استفاده از امکانات و تصدی مسئولیت‌ها و اداره کشور و بالاخره جایگزین همه سنتها و امتیازات غلط مادی و نفسانی بشود».^۳

بنابر این اصل، در نگرش امام خمینی باید برابری در برخورداری از فرصتها به‌عنوان اصلی اساسی در جهت‌گیریها و برنامه‌ریزیهای اقتصادی جامعه خصوصاً در زمینه توزیع امکانات و منابع و ثروتهای کشور، در راستای تأمین نیازهای اساسی همه افراد و اقشار لحاظ شود.

اصل دهم - جهت رفع نابرابریهای موجود و تحقق عدالت باید اولویت تخصیص امکانات، منابع و ثروتهای جامعه به اقشار و مناطق محروم تعلق گیرد:

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۱۹۰.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۱، ص ۱۲۳.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۳.

امام بر پایه اصل برابری، اولویت تخصیص و استفاده از امکانات و منابع جامعه را جهت تأمین نیازهای اساسی افراد، اقشار و مناطق محروم، در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها یادآور شده می‌فرمایند: «سرلوحه برنامه این دولت این است که ابتدا از مستمندان شروع کنند، از مرزها شروع کنند، به تعمیر و رفع حوائجی که تا حالا نبوده است از قبیل برق و نمی‌دانم آسفالت و آب و امثال ذلک و من هم تأکید می‌کنم به اینکه زود برسند»^۱. در نگاه امام خمینی در شرایط عدم تأمین برخی نیازهای اساسی افراد یا طبقاتی از جامعه، یکی از مهمترین معیارها جهت تخصیص امکانات و منابع، رفع آن محرومیت‌ها می‌باشد.

از طرفی ایشان تدریجی بودن نوسازی مملکت و اصلاح نابرابریها به نفع اقشار محروم را متذکر گردیده، لازمه حرکت به سمت ایجاد عدالت و به عبارتی رفع نیازهای اساسی همگان را، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در چارچوب مقررات و احکام اسلام و نه در خارج از اصول و موازین مورد تأیید اسلام، می‌دانند^۲. همچنین امام خمینی بر تسریع در رفع محرومیت‌ها^۳ و نیز لزوم سطح‌بندی و درجه‌بندی میزان محرومیت‌های افراد و اقشار و مناطق مختلف و اولویت دادن به محرومیت‌های شدیدتر تأکید می‌نمایند. «من سفارش کردم که روستاها و جاهای دور دست زودتر باید شروع شود و قبل از جاهای دیگر»^۴.

درحالی‌که مهمترین معیار تخصیص منابع در اقتصاد متعارف، شاخص بازدهی و کارآیی است، امام خمینی در رویکردشان به مقوله توزیع و تخصیص منابع، امکانات و ثروت‌ها، برقراری عدالت به معنای بهره‌مندی افراد و اقشار مردم از فرصت‌های برابر، جهت تأمین و رفع نیازهای اساسی‌شان را نیز یکی از مهمترین و ابتدایی‌ترین معیارهای تخصیص منابع در اقتصاد اسلامی عنوان می‌نمایند.

اصل یازدهم - برابری نسبی و توازن در سطوح بهره‌مندی و رفاه افراد و طبقات مختلف باید در سیاستگذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد:

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۹، ص ۸۳.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۶.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۶.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۲، ص ۱۲۲.

امام خمینی وجود فاصله‌های غیرمتعارف میان رفاه اقشار و طبقات مختلف جامعه را از نشانه‌های عدم سلامت نظام اقتصادی و نیز یکی از شاخص‌های بی‌عدالتی و حتی از عوامل عدم تأمین نیازهای اساسی همه افراد و اقشار عنوان می‌کنند. براین اساس در اندیشه ایشان، یکی از مهمترین معیارهای وجود عدالت در جامعه، وجود تعادل و توازن در سطح بهره‌مندی طبقات مختلف از امکانات رفاهی و وسایل زندگی با توجه به سطح متعارف است. این اصل در آراء امام از جایگاه اساسی برخوردار است^۱ و ایشان جامعه‌ای را که دارای این ویژگی نباشد، فاقد محتوای اصیل اسلامی می‌داند.

امام صریحاً برقراری توازن و تعادل را جزو اهداف اقتصادی اسلامی عنوان می‌نماید: «اسلام تعدیل می‌خواهد نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد سرمایه آن‌طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد... و این یکی، شب که برود پیش بچه‌هایش نان نداشته باشد. نمی‌شود این عملی نیست. نه اسلام با این موافق است و نه هیچ انسانی با این موافق است».^۲ نکته اساسی پیرامون مفهوم عدالت در اندیشه امام و تأکید ایشان بر مسأله توازن این است که امام تعیین نیازهای اساسی را در بستر شرایط و موقعیتها، امری نسبی دانسته و لذا در برخی از بیانات خویش نیازهای اساسی را با تعابیری نظیر، «آثار تمدن» و «نیازهای زندگی صحیح» مطرح نموده‌اند. براین اساس وجود برابری نسبی و توازن در سطح رفاه اقشار و طبقات مختلف اجتماع، اولاً به‌عنوان شاخص حضور عدالت و ثانیاً عامل بقاء و پایداری عدالت در جامعه تلقی شده است. امام این اصل را در چارچوب کارکرد سیستم اقتصاد اسلامی قابل تحقق دانسته و بیان می‌دارد: «مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است در بسط عدالت و... و تعدیل ثروت به‌طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت در اسلام به‌طور کامل می‌باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست».^۳

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۷، ص ۳۹.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۸، ص ۳۶.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲، ص ۱۸.

امام بر نقش توازن در ایجاد ثبات اجتماع اشاره نموده، ثبات اجتماعی را لازمه رشد اقتصاد قلمداد می‌نماید و از اقشار پر درآمد و ثروتمند جامعه می‌خواهند که آنها نیز علاوه بر دولت، در رفع این معضل اجتماعی (فاصله طبقاتی) کوشش نمایند.^۱

براین اساس، امام خمینی در بسیاری از بیانات خود، لزوم در نظر قراردادن این اصل را در قانونگذاری‌ها، سیاستگذاری‌ها و تدوین برنامه‌های کلی جامعه خصوصاً در ابعاد اقتصادی مورد توجه قرار داده و هرگونه سیاستی را که منجر به ایجاد عدم تعادل و توازن در جامعه شود و یا زمینه این امر را فراهم آورد، خلاف مصالح جامعه دانسته و مورد تأیید نظام اقتصادی اسلام نمی‌داند.

اصل دوازدهم - وضع قوانین و انتخاب استراتژیهای سیاستی باید در راستای رفع منافع محرومان و دفع سیستم بهره‌کشی ظالمانه از آنان صورت پذیرد:

امام خمینی با بیان اینکه حفظ منافع محرومان، جهت‌گیری اساسی اقتصاد اسلامی است^۲، یکی از ویژگی‌های دولت و نظام اسلامی را عدم اجحاف، بی‌انصافی و بهره‌کشی ظالمانه در مورد اقشار کم درآمد و ضعیف دانسته^۳ و عدم حمایت از اقشار محروم و مستمند جامعه را عدول از اصل عدالت مورد نظر اسلام بیان می‌نمایند.

«آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند... حمایت از محرومین و پابرنه‌هاست؛ چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است»^۴. امام با تأکید بر لزوم در نظر گرفتن مصالح و منافع اقشار محروم در مقابل اقشار پردرآمد و ثروتمند در برنامه‌ریزیها و سیاستگذاری‌های اصولی کشور خصوصاً در حوزه اقتصاد جامعه، خواستار لحاظ این اولویت در عقیده، منش و عمل کارگزاران می‌باشند^۵.

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۰، ص ۴۳.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۸.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۵، ص ۱۲۰.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۵، ص ۲۴۴.

۵ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۳.

«خدا نیامورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند».^۱

امام ویژگی محرومین را محرومیت این اقشار در بهره‌مندی از امکانات عمومی لازم جهت زندگی در جامعه و همچنین عدم برخورداری از وسایل مربوط به اداره یک زندگی متوسط عنوان نموده^۲ و ضمن اشاره به اهمیت این طبقات در تفکر اسلام و نظام اسلامی، احکام و قوانین اسلام را در جهت حفظ منافع مستمندان در مقابل منافع اقشار ثروتمند و پردرآمد بیان می‌نماید: «اسلام یک طرحی است که برای مستضعفین بیشتر از دیگران مفید است».^۳ امام خمینی دفع هرگونه اجحاف و بهره‌کشی ظالمانه را که منجر به بقاء و گسترش محرومیت افراد، اقشار و مناطق محروم (از بهره‌مندی از امکانات تأمین نیازهای اساسی و وسایل ایجاد یک زندگی متوسط) شود، چه در قالب یک قانون و یا استراتژی سیاستی و چه به صورت رفتار و منش افراد یا طبقه‌ای خاص و چه در قالب یک مکانیسم موجود در نظام اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی، وظیفه دولت و نظام اسلامی عنوان می‌نماید: «همه انسانها دولت اسلامی را تقویت کنند تا بتواند اقامه عدل بکنند... به همان دو راهی که اسلام دارد، حفظ معنویات مردم و اقامه عدل بیشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان. حالا این فرق نمی‌کند؛ چه مظلومانی باشند که از دولت ظلم می‌کشند یا مظلومانی باشند که از اربابها ظلم می‌کشند».^۴

امام هرگونه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در خصوص لحاظ اولویت منافع طبقات مستمند بر طبقات ثروتمند را تنها در چارچوب قوانین و مقررات و احکام اسلامی صحیح

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۰، ص ۱۲۹.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۷، ص ۲۷۳.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۰، ص ۸۸.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۸، ص ۳۲.

دانسته^۱ و بیان می‌نمایند که لحاظ اولویت منافع اقشار محروم بر منافع ثروتمندان در چارچوب مقررات اصلی براساس احقاق حقوق است، نه توصیه‌ای اخلاقی. امام در تبیین دیدگاه خود پیرامون این اصل به برخی از مظاهر اجحاف و بی‌انصافی و بهره‌کشی ظالمانه اشاره نموده‌اند. ایشان مواردی نظیر ربا در سیستم بانکی را به‌عنوان یک مکانیسم ظالمانه و نیز نظام دستمزدها، نظام قیمت‌گذاری‌ها و نظام بودجه‌ریزی دولت را نیز به‌عنوان مجرایی که امکان اجحاف و استثمار و بهره‌کشی غیرمنصفانه در آنها وجود دارد معرفی نموده و خواستار برنامه‌ریزی دولت و استفاده از ابزارهای مختلف جهت کنترل این مجاری اجحاف، بی‌انصافی و بهره‌کشی بودند.^۲

۳-۲-۴- اصول اجرایی

آنچه که در این قسمت تحت عنوان اصول اجرایی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، صرفاً روشها و مکانیسم‌های عمومی تأمین نیازهای اساسی افراد به‌جهت اجرای عدالت در آراء ایشان می‌باشد.

در بررسی امکان و نحوه اجرای این اصول باید جایگاه اندیشه و تفکر امام را مورد توجه قرار داد. همچنین براساس بیان صریح ایشان برای ارائه برنامه‌های مشخص و مؤثر جهت برقراری عدالت باید از نظر کارشناسان و متخصصان استفاده نمود.

اصل سیزدهم - تکافل عمومی یا تأمین نیازهای محرومین توسط عموم مردم اولین راهکار جهت ایجاد عدالت می‌باشد:

امام خمینی، مطلوبترین و کارآمدترین روش برقراری عدالت به معنی تأمین نیازهای اساسی افراد و اقشار نیازمند و رفع محرومیت از آنان را، تکافل عمومی و شرکت مردم در این زمینه دانسته و با توصیه‌های فراوان به اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه ثروتمندان و اقشار پردرآمد، این امر را متذکر گردیده‌اند.

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۶.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۲۲۲، ج ۶ ص ۱۷۹ و ج ۵ ص ۱۹۰.

امام با بیان اینکه تأمین نیازها و رفع محرومیت‌ها به تنهایی از عهده دولت خارج است^۱، علاوه بر دعوت عام از همه برای شرکت در این امر، یکی از مهمترین اقدامات دولت در ایجاد عدالت را فراهم ساختن بستر و فضای مناسب برای تکافل عمومی و تشویق مردم با ابزارهای مختلف به تأمین نیازهای ضروری محرومین، عنوان می‌نمایند. ایشان می‌فرمایند: «دنبال این نباشید که هی هرچیز را دولتی‌اش کنید»^۲.

از طرفی نیز امام خمینی با طرح مفهوم انصاف و باخطاب قراردادن مردم و دولت، لزوم رعایت انصاف را به معنای «در نظر گرفتن وضعیت اقشار محروم، در تنظیم امور اقتصادی‌ای که در ارتباط مستقیم با این اقشار قرار دارد» متذکر گردیده و قیمت‌گذاری و عرضه محصولات را به‌ویژه در ارزاق و نیازهای ضروری مردم به گونه‌ای صحیح و مطلوب عنوان می‌کنند که عموم مردم بالاخص اقشار مستمند، توانایی رفع نیاز فوری و ضروری خود را داشته باشند.^۳

اصل چهاردهم - سیاست‌گذاری جهت تشویق و حمایت از مشارکت بخش خصوصی برخاسته از اقشار محروم در اقتصاد کشور، به تأمین نیازهای اساسی طبقات مستمند و برقراری عدالت منجر می‌شود:

امام خمینی با توجه به این نکته که به صرف توصیه‌های اخلاقی جهت تکافل عمومی نمی‌توان به هدف تأمین نیازهای اساسی افراد جامعه دست یافت، ضمن اشاره به نقش دولت، یکی از مؤثرترین روشهای تحقق عدالت را علاوه بر حمایت مستقیم در تأمین نیازهای اساسی محرومین، ایجاد زمینه مشارکت تمامی اقشار جامعه خصوصاً اقشار مستمند و محروم در اقتصاد کشور که باعث تقویت توازن اقتصادی این طبقات می‌گردد، عنوان نموده و آن‌را از اقدامات اساسی تحقق عدالت و تأمین نیازهای اساسی اقشار جامعه به‌ویژه طبقات کم درآمد قلمداد می‌نمایند:

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۵، ص ۷۴.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۴۰.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۱۷۹.

«دولت چنانچه کراً تذکر داده‌ام، بی‌شکرت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد»^۱.

امام یکی از مهمترین معیارهای آزادی بخش خصوصی در بخشها و فعالیتهای مختلف اقتصادی را ایجاد امکان بهتر تأمین نیازهای محرومین و رفع محرومیت از آنان دانسته و در این صورت نه تنها آزادی بخش خصوصی را در آن فعالیت خاص مجاز، بلکه لازم می‌دانند.^۲

امام در راستای اجرای اصل فوق بر این امر تأکید می‌کنند که حضور دولت در صحنه اقتصاد کشور به‌خصوص در جهت اجرای عدالت باید بیشتر جنبه نظارتی داشته باشد و تنها در مواردی که بخش خصوصی توانایی و جایگاه لازم جهت حضور در عرصه برقراری عدالت را ندارد خود رأساً وارد شود: «کارهایی که هم دولت می‌تواند انجام بدهد و هم مردم می‌توانند انجام بدهند، مردم را آزاد بگذارید که آنها بکنند، خودتان هم بکنید، جلو مردم را نگیرید. فقط یک نظارتی بکنید که مبدا انحراف پیدا شود»^۳؛ به نظر می‌رسد انحراف مورد نظر می‌تواند به عدول از عدالت هم تعبیر شود.

امام خمینی نوسازی کشور و برقراری عدالت را بدون حضور و مشارکت تمامی طبقات مردم موفقیت‌آمیز ندانسته و بر این اساس تأکیدات فراوانی جهت ایجاد بسترهای لازم برای شرکت مردم در فعالیتهای اقتصادی البته با هدف تأمین بهتر و سریعتر احتیاجات اساسی و رفع نیازهای گروههای مستمند داشته‌اند. امام مواردی نظیر لغو انحصارات، تشویق تولیدات داخلی، آزادی تجارت با نظارت دولت را از جمله سیاستهایی عنوان می‌کنند که دولت به وسیله آنها می‌تواند بستر لازم جهت مشارکت عموم افراد جامعه را فراهم نماید.

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۱۰۸.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۱۰۹.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۹، ص ۳۵.

«استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی... توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار افراد خاص متمکن و مرفه در تجارت داخل و خارج و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه از نکاتی است که در بازسازی و سازندگی توجه به آن ضروری است»^۱. امام با عنایت به لزوم حضور و مشارکت کشاورزان به‌عنوان بارزترین اقشار محروم و کم‌درآمد جامعه در فعالیتهای اقتصادی، تأکیدات بسیاری پیرامون حمایت از این اقشار در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها جهت رفع محرومیت و تأمین نیازهای اساسی ایشان و ایجاد یک زندگی متوسط برای آنها داشته‌اند. «همه همت خودشان را بگمارند که کشاورزی را تقویت کنند»^۲.

براساس این اصل، امام ایجاد زمینه حضور طبقات مختلف جامعه را در اقتصاد کشور، به‌ویژه مشارکت گروههای محروم و کم‌درآمد و تشویق و حمایت از آنها در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، برای ایجاد امکان حضور این اقشار در عرصه فعالیتهای اقتصادی را از مهمترین سیاستهای اجرایی دولت در جهت رفع محرومیت و تأمین نیازهای اساسی افراد و طبقات جامعه ذکر می‌کنند.

۵ - تأمین نیازهای اساسی در اندیشه امام خمینی

امام خمینی در بیانات فراوانی خصوصاً در مورد بی‌عدالتی‌ها و آثار نامطلوب جهت‌گیریها و سیاستهای اقتصادی رژیم پهلوی به‌ویژه در روستاها و مناطق محروم، به لزوم تأمین برخی از نیازها به‌عنوان «نیازهای اساسی زندگی افراد» اشاره نموده‌اند. ایشان با تأکید بر این نکته که همه افراد جامعه دارای نیازهای فیزیکی مشترکی بوده و تأمین این نیازها اولاً جزء حقوق آنها و ثانیاً زمینه لازم جهت رسیدن به اهداف تربیتی و انسانی مورد نظر اسلام است، به دقت نظر و توجیه دین اسلام در این رابطه اشاره می‌نمایند. نیازهای اساسی در اندیشه امام عبارت‌اند از:

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲۱، ص ۳۸.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱۸، ص ۲۸۱.

الف) ارزاق و خدمات عمومی: امام خمینی با تأکید بر تأمین مایحتاج و ارزاق عمومی برای همه اقشار، یکی از مهمترین وجوه محرومیت‌ها را عدم برخورداری از خدمات عمومی، نظیر آب، برق، جاده و... عنوان نموده و بیان می‌کنند: «این عایدات نفت که باید صرف خود مملکت بشود، صرف این فقرایی که در مملکت هستند بشود، برق و آسفالت و آب که یک چیزهای اولی است».^۱ امام در برخی موارد از خدمات عمومی با عنوان آثار تمدن نام برده^۲ و بهره‌مندی از آنها را به‌عنوان نیازهای اساسی افراد و اقشار جامعه خواستار شده‌اند.

ب) از دیگر نیازهایی که امام خمینی آن‌را به‌عنوان نیاز اساسی زندگی افراد نام می‌برد، مسأله مسکن می‌باشد. ایشان به رفع این نیاز توجه بسیار داشته و یکی از ابعاد محرومیت‌ها را عدم برخورداری از مسکن عنوان می‌نمایند. «همه محرومان و بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی (داشتن خانه) استفاده کنند. همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد».^۳ واژه «زاغه‌نشین» در بیانات متعدد امام همواره به‌عنوان نمادی از محرومیت و بی‌عدالتی مطرح بوده است و ایشان بارها با تعابیر مختلف، لزوم داشتن یک محیط مناسب برای سکنی و زندگی را بیان نموده‌اند.

ج) امام خمینی با عنایت به جایگاه علم و دانش در عصر کنونی، بهره‌مندی از امکانات تحصیل آموزش عمومی را جزء نیاز اساسی افراد و اقشار جامعه دانسته و عدم تأمین این نیاز را به‌عنوان یکی دیگر از وجوه محرومیت‌ها بیان داشته‌اند: «این‌طور نیست که فقط شما محروم هستید از این مدرسه و راه و سایر جهاتی که مربوط به زندگی است».^۴

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۳، ص ۲۵۲.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۲، ص ۶۸.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۵، ص ۲۷۴.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۷، ص ۲۷۳.

«اکنون ملت محروم ایران بسیارشان از لوازم اولیه زندگی محروم بوده... ملتی که بسیارشان از فقر و تهیدستی نمی‌توانند فرزندان خود را به مدرسه بفرستند»^۱.

د) یکی دیگر از مواردی که امام به‌عنوان نیاز اساسی زندگی افراد مورد توجه قرار می‌دهند، برخورداری همه از امکانات بهداشت عمومی است. امام به‌ویژه رفع این محرومیت را از روستاها و مناطق دور افتاده بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند. «یکی از خبرنگاران در بازدید از وضع مردم جنوب چنین نوشته بود که در جنوب ایران در دهات اصلاً از دکتر و دارو خبری نیست. آب وجود ندارد و یک ده اکثر مردمش کور بودند. خلاصه از کلیه وسایل و نیازمندی‌های اولیه زندگی محروم بودند»^۲.

ه) امام خمینی دسترسی به شغل مناسب را نیز از جمله نیازهای اساسی افراد جامعه عنوان نموده و وظیفه دولت را در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت تأمین این نیاز، به‌ویژه برای اقشار تحصیل کرده متذکر شده‌اند: «هر دسته‌ای که از اطراف می‌آمدند پیش من (گفتند) که در اطراف ما بیکاری زیاد است»^۳.

ایشان علاوه بر آنکه بیکاری را یکی از مشخصات محرومیت ذکر می‌کند، آن را یکی از عوامل محرومیت نیز می‌داند.^۴

با توجه به آنچه که بیان گردید، امام علاوه بر نیازهای حیاتی، نظیر ارزاق عمومی مواردی چون نیاز به مسکن، بهداشت، آموزش و خدمات عمومی و شغل را نیز جزء نیازهای اساسی افراد و اقشار مختلف ذکر نموده و برابری همگان در بهره‌مندی از امکانات، تأمین و برطرف ساختن این نیازها را عدالت اجتماعی دانسته‌اند.

باید توجه داشت که امام خمینی در جایگاه یک نظریه پرداز اقتصادی و یا اجتماعی نبوده‌اند، بلکه دیدگاه و تفکر ایشان پیرامون مسأله عدالت، از مبانی اندیشه اجتماعی اسلام

۱ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱، ص ۲۰۰.

۲ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۱، ص ۶۵.

۳ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶ ص ۱۲۹ و ج ۱ ص ۱۱۲.

۴ - امام خمینی؛ همان؛ ج ۶، ص ۱۳۹.

نشأت می‌گیرد. اما جالب توجه اینکه در حوزه دانش توسعه اقتصادی، دیدگاهی تقریباً مشابه با آنچه که امام در مورد عدالت عنوان نموده‌اند، مطرح گردیده است. این دیدگاه در مباحث توسعه اقتصادی به «الگوی نیازهای اساسی» معروف می‌باشد. لذا می‌توان گفت که آراء ایشان پیرامون مسأله عدالت با قواعد و چارچوب‌های علمی موجود در علم اقتصاد متعارف نیز، هماهنگی و انطباق دارد.

۶- نتایج

بررسی مفهوم عدالت اجتماعی مورد نظر امام خمینی مفهومی عام بوده و در ارتباط با حوزه‌های مختلف علوم انسانی قرار دارد. اما دقت پیرامون این مسأله نشان می‌دهد که مهترین کانون توجه ایشان پیرامون مسأله عدالت، به کارکردها و شاخصه‌های اقتصادی این مفهوم بوده است.

امام در اغلب موارد مفهوم عدالت را در کنار مسأله رفع فقر و محرومیت مطرح کرده و «تأمین نیازهای اساسی» اقشار مستمند را جهت خروج آنان از چنین وضعیتی، جزء حقوق آنها قلمداد می‌نمایند. از طرفی نیز با بیان «برابری» به عنوان یکی از مهمترین وجوه عدالت، قوانین و مقررات اسلام را بر مبنای برابری افراد و اقشار طبقات مختلف عنوان می‌کنند. بر این اساس، می‌توان عدالت را در اندیشه امام خمینی به «ایجاد فرصتهای برابر جهت تأمین نیازهای اساسی همه افراد و طبقات جامعه» معنا نمود.

نکته قابل توجه در زمینه نوع نگرش امام به مسأله عدالت و تعریف مشخص ایشان از این مفهوم، نزدیکی آن با یکی از الگوها و استراتژیهای توسعه است که در متون و ادبیات اقتصادی به «الگوی نیازهای اساسی» معروف می‌باشد.

بررسی دقیق موضوع عدالت در اندیشه امام خمینی و مبنای فکری رویکرد ایشان به این مسأله نشان می‌دهد که ایشان اصولی را به عنوان پایه‌های فکری و چارچوب نظری در تبیین خاص خود از مقوله عدالت مورد توجه قرار داده‌اند. در این مقاله، با استخراج این اصول، علاوه بر تقویت بنیانهای فکری این رویکرد خاص به مسأله عدالت، ملاحظه شد که اصول

چهارده‌گانه ناظر به تلقی امام از عدالت می‌تواند در استخراج الگوی عملی مورد نظر ایشان جهت برقراری عدالت نیز مؤثر واقع شود.

فهرست منابع

- ۱- امام خمینی؛ صحیفه نور؛ دوره ۲۳ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۰.
- ۲- بلاک، مارک؛ روش‌شناسی علم اقتصاد؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ چاپ اول؛ تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
- ۳- هانت، دایانا؛ نظریه‌های اقتصادی توسعه تحلیلی از الگوهای رقیب؛ ترجمه غلامرضا آزاد؛ چاپ اول؛ تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۴- همایون (کاتوزیان)، محمدعلی؛ ایدئولوژی و روش در اقتصاد؛ چاپ اول، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴.